قاعده حمل مطلق بر مقید و موارد آن

شاگرد: درجایی‌که خیلی از فقها مطلق را بر مقید حمل می‌کنند، شما آن را بر فضیلت می‌کنید. قاعده اولیه را قبول دارید یا در اصل آن قاعده تردید دارید؟

استاد: قاعده اولیه که مشکلی ندارد. حمل مطلق بر مقید و اینکه یک متکلم، مقصود جدی خودش را در دو کلام بگوید، مشکلی عقلائی ندارد.

شاگرد: بیان فضیلت هم همینطور است؛ یعنی مقصود اصلی خودش را در دو بیان فرموده است. اما در مواردی‌که امر دایر بین این است که مقید را حمل بر فضیلت بکنیم یا حمل بر مقید بکنیم، قاعده اولیه‌ای داریم؟

استاد: قبل از اینکه اصولیین بگویند در مطلق و مقید مثبتین، بر هم حمل نمی‌شوند، چه می‌گفتیم؟ قبل از اینکه این بحث را مطرح کنیم که آیا در مطلق و مقید مثبتین، لازم است که مطلق بر مقید به‌صورت عزیمت حمل شود و تقیدی صورت بگیرد یا نه؟ این در اصول متأخر آمده است. قبل از آن کسی که حمل مطلق بر مقید را می‌شنید، به ذهنش چه چیزی می‌آمد؟ به ذهنش اعم می‌آمد. می‌خواهم این را عرض کنم که مانعی ندارد قواعدی بعمومه فی الجمله باشد، فی الجمله درست باشد، تلقی عقلائی باشد، اما وقتی در موارد تطبیق می‌شود، قیودی داشته باشد یا در موارد خارجی با قرائن خارجیه بفهمیم که در اینجا جای قاعده کلی نیست. این حاصل عرض من است.

احتمالی که امروز عرض می‌کنم این است: این است که ما به دو مبنا نیازی نداشته باشیم‌که بگوییم بنابر اینکه حمل مشهور را بگیریم، «علیه قضائیه» حمل مطلق بر مقید می‌شود و بنابر اینکه بگوییم «علیه» دال بر افضلیت است، دیگر مانعی ندارد. حتی اگر «صام علی انه من شعبان»، آن جا هم افضل باشد. افضلیت خیلی وسعت دارد. افضل این است که باز اعاده کند. در جلسه قبل عرض کردم.

بازبینی #1
ایجاد شده 18 مه 2026 15:28:21 توسط ... .
به روزرسانی شده 18 مه 2026 15:28:54 توسط ... .